

## **Comparison between Uşūlī and Fiqhī Deduction Method of the Sheikh Ansari in Authority of Celebrity of Verdict<sup>1</sup>**

Doi: 10.22081/jrj.2020.56030.1897

**Hamid Muazzeni Bistagani**

PhD Student of Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Sistan & Baluchistan University, Zahedan-Iran; moazzeni62@gmail.com

**Muhammd Reza Keikha**

Associate Professor in Department of jurisprudence and Basics of Islamic Law, Sistan & Baluchestan University, Zahedan-Iran; kaykha@hamoon.usb.ac.ir

Received in: 2019/11/13

Accepted in: 2020/4/8

**Justārḥā-ye  
Fiqhī va Uşūlī**

Vol.6, No. 19  
Summer 2020

**195**

*Abstract:*

The authority of the Celebrity of Verdict (*al-Shuhra al-Fatwā'iyya*) is the topic of discussion between the scholars. Some have included examples from the works of the Sheikh Anāri claiming that he has overtaken from his Uşūlī method in regards to the Celebrity of Verdict. Then the reason for such an overtaking has been discussed. Some have proved his consideration on Closure Proof (*Dalīl al-Insidād*) and considered his usage of the Celebrity of Verdict as using unconditional conjecture. Others have considered the reason

---

1 . Muazzeni. H (2020); " Comparison between Uşūlī and Fiqhī Deduction Method of the Sheikh Ansari in Authority of Celebrity of Verdict"; Jostar– Hay Fiqhi va Usuli; Vol: 6 ; No: 19; Page: 195 – 217. – Doi: 10.22081/jrj.2020.56030.1897.

as a psychological element that has made a great scholar such as the Sheikh Anṣārī to fall for a mistake as well. According to the findings of this article, which has used descriptive – analytical approach, aside from case studies of various examples and judgement of their verdicts, the two analyses mentioned here can be rejected; because the Sheikh denies the Celebrity of Verdict as an independent source. In another word, there is no decisive reason for authority or devotional authenticity of the Celebrity of Verdict as an independent source. This does not have anything in contrary to the Celebrity of Verdict being used if the celebrity entails knowledge and certainty. It is because whenever the celebrity entails certainty, using it means using the certainty which itself is the common knowledge, rational authority and Shra'ī authority. Hence there is no disruption in Sheikh's Uṣūlī view point and jurisprudential method.

*Keywords:* Celebrity, Psychological Element, Closure Proof, Authority of Certainty, Common Knowledge.

# مقایسه روش استنباط اصولی و فقهی شیخ انصاری در حجیت شهرت<sup>۱</sup>

حمید مودنی بیستگانی<sup>۲</sup>

محمد رضا کیخا<sup>۳</sup>

مقایسه روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت  
۱۹۷

## چکیده

حجیت شهرت فتوایه محل بحث و اختلاف نظر بین علماست. برخی علما و محققان با تتبع در کلمات شیخ انصاری، مصادیقی را بر شمرده‌اند و مدعی تخطی شیخ از مسلک اصولی خود در خصوص شهرت شده‌اند. آنگاه چرایی این تخطی، محل پرسش قرار گرفته است. برخی انسدادی بودن وی را ثابت کرده و تمسک ایشان به شهرت را از باب تمسک به مطلق ظن دانسته‌اند. برخی دیگر خاستگاه این تهافت را یک عنصر روانی می‌دانند که فقیه بزرگی چون شیخ انصاری را نیز دچار خود کرده است. مطابق یافته‌های این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی به نگارش در آمده است - فارغ از بحث موردی پیرامون هر یک از موارد استشهاد و درست یا نادرست بودن برداشت‌ها - دو تحلیل مذکور قابل مناقشه‌اند:

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان - ایران: moazzeni62@gmail.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان - ایران: (نویسنده مسئول):

kaykha@hamoon.usb.ac.ir

زیرا شیخ اعظم حجیت شهرت را به عنوان دلیل مستقل انکار می کند؛ یعنی هیچ دلیل قطعی بر حجیت و اعتبار تعبدی شهرت به عنوان دلیل مستقل وجود ندارد. این مطلب، منافاتی ندارد که اگر شهرت، مفید علم و اطمینان بود، مورد تمسک قرار گیرد؛ زیرا هرگاه شهرت، مفید اطمینان باشد، تمسک به آن، تمسک به اطمینان است که خودش علم عرفی و حجت عقلایی و شرعی است؛ در نتیجه، هیچ ناهماهنگی در دیدگاه اصولی شیخ و مشی فقهی ایشان وجود ندارد.

**کلید واژه ها:** شهرت، عنصر روانی، انسداد، حجیت اطمینان، علم عرفی.

### مقدمه

پس از قطع - که حجیت آن ذاتی است و نیاز به جعل حجیت و اعطای اعتبار از ناحیه شارع ندارد - هر چیز دیگری که مفید ظن باشد، نیازمند پشتوانه قطعی است تا دلالت بر حجیت آن دلیل ظنی کند. خبر واحد، ظواهر، قول لغوی، شهرت و اجماع منقول به خبر واحد، مهم ترین ادله ظنی‌های هستند که در علم اصول، پیرامون حجیت آن‌ها بحث می شود. دیدگاه اصولیانی که به بحث و واکاوی پیرامون حجیت هر یک از موارد مذکور پرداخته اند، متفاوت است. شیخ انصاری در قامت یکی از برجسته ترین فقهای تاریخ تشیع - که تأثیر آرا و مبانی و نیز مشی فقهی وی بر اصولیان و فقهای متأخر از او، بر کسی پوشیده نیست - رأی به بطلان حجیت شهرت داده است، اما برخی پس از تأمل و تتبع در کلمات وی، موارد و مصادیقی را احصا کرده (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۱/۳۹۶) و با استشهاد به آن‌ها مدعی تخطی او از مسلک اصولی خود در مشی فقهی اش شده اند؛ لذا گمان برده اند که شیخ انصاری، به رغم آنکه در مباحث اصولی خود، مباحث مبسوط و مفصلی را در راستای انکار حجیت شهرت ارائه کرده، در کتب فقهی خود، در موارد متعدد، به آن‌ها تمسک نموده و فتوای خود را بر پایه آن‌ها استوار ساخته است؛ به همین دلیل، چرایی این تهافت بین نظر و عمل و تخطی از مسلک اصولی، تبدیل به یک پرسش مهم شده است. در این مقاله به مطالعه موردی حجیت شهرت از منظر اصولی شیخ انصاری و نیز نحوه مواجهه عملی وی با این نهاد در مباحث فقهی ایشان می پردازیم

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹  
تابستان ۱۳۹۹

۱۹۸

تا موهوم بودن این تهافت شیخ انصاری آشکار گردد.

**پیشینه پژوهش** در خصوص تقابل دیدگاه اصولی شیخ اعظم با روش فقهی ایشان در مورد شهرت، پژوهش مستقلی یافت نشد، اما برخی از فقهای بعد ایشان در کتب اصولی خود به مناسبت در این خصوص سخن گفته‌اند (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۳۳۳۹/۱۰-۳۳۴۳؛ صدر، ۱۴۰۸ق، ۲/۹۴-۹۷). نوآوری این تحقیق در تبیین و نقد اظهارات این فقها در توجیه رویه شیخ اعظم است. به نظر می‌رسد نسبت عدم پابندی شیخ به مبانی اصولی خود و تخطی ایشان از مبانی اصولیش نه تنها محرز نیست، بلکه خلاف آن ثابت است.

## مفهوم‌شناسی واژگان

### حجیت

حجیت، مصدر صناعی از حجت و به معنای حجت بودن است. مقصود از حجت در علم اصول، صرفاً اموری است که متعلق خود را اثبات می‌کند، لکن به درجه قطع نمی‌رسند؛ یعنی سبب قطع به متعلق خود نمی‌شوند؛ زیرا در جایی که پای قطع در میان باشد گرچه خود آن قطع، حجت خواهد بود، لکن حجت به معنای اصطلاحی نیست، بلکه قطع، حجت به معنای لغوی است (مظفر، ۱۳۷۵، ۱۳/۲). اصولیان واژه حجت را صرفاً در جایی به کار می‌برند که در مقام ثبوت بین اماره و متعلق اماره، ارتباط واقعی وجود نداشته باشد، بلکه ارتباط بین آن‌ها صرفاً مربوط به مقام اثبات باشد.

محقق نائینی در تعریف آن می‌گوید: «حجت در علم اصول، به طرق و اماراتی گفته می‌شود که به حسب جعل شرعی، حدّ وسط برای اثبات متعلق خود قرار می‌گیرند بی‌آنکه بین آن‌ها و متعلقانشان، در مقام ثبوت، علقه و ارتباطی باشد (نائینی، ۱۳۷۶، ۷/۳)؛ بنابراین، حجت اصولی، نیاز به جعل اعتبار دارد. البته این جعل، نمی‌تواند بدون غرض باشد. گمشده‌ای که از رهگذر حجج شرعیه به دست می‌آید، همانا معدّریّت و منجزیّت است. این دو عنصر، لوازم عقلیه حجت شرعی هستند (حکیم، ۱۴۱۸ق، ۲۲).

## حجیت ذاتی

حجتی که برای حجیت داشتن به جعل جاعل نیاز نداشته باشد. اصولیان حجیت قطع را ذاتی می‌دانند؛ زیرا حجیت، از لوازم عقلی و تخلف‌ناپذیر آن است؛ از این رو، گفته می‌شود «قطع، عین انکشاف و رؤیت است و ذاتاً طریق بنفسه است؛ به همین جهت، به هیچ وجه، جعل طریقت برای آن امکان ندارد؛ چرا که ثبوت الشيء لنفسه ضروری» (خویی، ۱۴۱۹ق، ۱۳/۳).

## حجیت مجعول

حجتی که به خودی خود نمی‌تواند در مقام احتجاج، به کار آید، بلکه به پشتوانه شرعی یا عقلی نیاز دارد. غیر از قطع، دیگر حجج شرعی، همگی از حجیت مجعوله برخوردارند (صدر، ۱۴۱۸ق، ۳۰۲/۲). دانسته شد اطلاق لفظ حجّت بر اماره، به وساطت جعل شرعی یا عقلی نیاز دارد. شهرت و اجماع منقول نیز از امارات و حجج اعتباریه هستند؛ زیرا گفتیم غیر از قطع، همه حجج شرعیه، حجیت مجعوله دارند؛ از این رو، چنانچه دلیل قطعی بر حجیت آن‌ها یافت شود، حجت هستند و گرنه محکوم به عدم اعتبار و حجیت می‌باشند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۰۰

## شهرت

شهرت در لغت به معنای وضوح است: «شَهْرَتُ الْأَمْرِ» یعنی فلان امر را واضح و آشکار ساختم. از این رو، برای بیان «آشکار ساختن شمشیر» از ماده «شهر» استفاده می‌شود و می‌گویند: «شَهْرَ فُلَانٍ سَيْفَهُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۴۳۳/۴): یعنی فلانی شمشیر خود را آشکار ساخت.

واژه شهرت، در اصطلاح دانشمندان در سه معنا کاربرد دارد:

## الف) شهرت روایی

محدثان به خبری که راویان آن زیاد باشد لکن به حدّ تواتر نرسد، خبر مشهور یا مستفیض گویند. شهرت روایی، همان است که در مبحث تعارض، یکی از مرجحات خبر است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۲).

## ب) شهرت عملی

این اصطلاح در جایی به کار می‌رود که فقهای زیادی، مطابق یک خبر خاص معین که در اختیار ماست، فتوا به یک حکم شرعی بدهند. شهرت عملی، همان است که در بحث جابریّت ضعف سند یا قصور دلالت مطرح است. (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۲).

## ج) شهرت فتوایی

چنانچه فتوایی بین فقها مشهور، ولی مستند آن، غیر معلوم باشد، به آن شهرت فتواییه گویند. خواه اساساً مطابق با آن فتوا، هیچ خبری وجود نداشته باشد یا آنکه خبری وجود دارد؛ لکن استناد فقها به آن خبر، محرز و معلوم نیست. وقتی در مباحث اصول، بحث از حجیت شهرت - به عنوان یکی از ظنون خاصه - مطرح می‌شود، مقصود، همین قسم است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ۱۶۸/۳).

## شهرت از منظر شیخ انصاری

یکی از مباحث مورد گفتگو در بین فقها ظن خاص و حجت بودن شهرت فتوایی است. شیخ انصاری قول به حجیت شهرت را توهم می‌داند و عنوانی که جهت شروع در بحث شهرت ارائه می‌کند، به این بیان است که «شهرت فتواییه، از ظنونی است که توهم شده یکی از ظنون خاصه است<sup>۱</sup>». آنگاه در ادامه می‌نویسد: «مقصود ما آن است که توهم مذکور - یعنی ظن خاص بودن شهرت فتواییه - را ابطال سازیم.» (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۰۵). محقق خوبی نیز ضمن عباراتی مشابه، بر عدم اقامه دلیل خاص بر حجیت شهرت تأکید می‌کند (خوبی، ۱۴۱۷ق، ۱/۱۴۶).

## جابر ضعف خبر بودن شهرت از دیدگاه شیخ انصاری

دانسته شد که شیخ انصاری، اجماع منقول و شهرت فتوایی را حجت مستقل و

۱. «و من جملة الظنون التي توهم حجيتها بالخصوص الشهرة في الفتوى» (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۰۵).

ظن خاصّ نمی‌داند؛ بنابراین، گرچه بحث پیرامون شهرت فتواییه است، از آنجایی که در ادامه مباحث، برخی از استنادات و تمسک‌های شیخ انصاری به شهرت را بیان می‌کنیم؛ شاید این گمان رود که موارد مذکور اساساً مصداق شهرت فتوایی نیستند، بلکه از مصادیق شهرت روایی‌اند و تمسک شیخ به این قسم از شهرت صرفاً به جهت جبران ضعف خبر به لحاظ سند و یا دلالت است. از این رو، در اینجا پیرامون این مطلب، بحث می‌کنیم که آیا شهرت می‌تواند در مقام جبران ضعف دلیل برآید؟ جایگاه فهم اصحاب در تقویت و تضعیف دلالت یک دلیل چیست؟ این همان بحثی است که تحت عنوان «جابریت شهرت برای ضعف سند یا قصور دلالت» مطرح می‌گردد. برخی که حجیت شهرت را پذیرفته‌اند، به تبع آن، به جابریت هم قائل هستند و معتقدند شهرت، هم جابر ضعف سند و هم جابر قصور دلالت است (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۳/۳۲۸). بدین ترتیب بر اهمیت نقش «فهم اصحاب» در تقویت و تضعیف دلالت خبر و نیز بر نقش «استناد و اعراض اصحاب» در تقویت و تضعیف سند خبر تأکید کرده‌اند. صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: «اگر انسان بخواهد بدون نظر به کلام اصحاب و با نظر محض به اخبار، فتوا دهد، فقهی بر او نمایان می‌شود که از زیّ تمام مسلمانان خارج است؛ لذا تحقیق، آن است که هرچه اخبار، بیشتر و صحت آن‌ها افزون‌تر باشد و در عین حال، اصحاب از آن‌ها اعراض کرده باشند، بر وهن آن اخبار افزوده می‌شود (نجفی، بی‌تا، ۱۲/۲۶۵). محقق سبزواری نیز کلام صاحب جواهر را حق می‌داند و می‌گوید حق بودن آن، بر اهلش عیان است (سبزواری، بی‌تا، ۲/۹۰).

شیخ انصاری در فرائد الاصول به طرح این پرسش می‌پردازد که اگر بنا را بر عدم حجیت یک دلیل ظنی بگذاریم، آیا بر آن دلیل، آثار دیگری غیر از حجیت مترتب می‌گردد؟ (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۹۰). وی در توضیح پرسش مذکور می‌نویسد: اگر بنا را بر عدم حجیت ظن خاصی بگذاریم، آیا آثاری غیر از حجت بالاستقلال بودن بر آن مترتب می‌گردد؛ مثلاً آیا می‌تواند جابر ضعف سند یا قصور دلالت باشد. نیز آیا می‌تواند موهن حجیت خبری به لحاظ سند یا دلالت بشود. همچنین آیا می‌تواند موجب ترجیح یکی از متعارضین بر دیگری گردد؟ (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۹۰). ایشان

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۰۲



پس از مباحث مفصلی که در این باره ارائه می‌نماید، درباره جبران قصور دلالت خبر چنین نتیجه می‌گیرد که آنچه مشهور شده که ضعف دلالت با عمل اصحاب جبران می‌گردد، هرگز قطعی نیست. همچنین این ادعا که قصور دلالت با فهم اصحاب جبران می‌شود، هیچ‌بینه و شاهی ندارد (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۹۱). آنگاه در ادامه بحث پیرامون جابریت شهرت نسبت به ضعف سند بحث می‌کند و می‌گوید: این مبنا را خواه به جهت افاده ظن به مضمون خبر یا به جهت وجود دلیل خاص بر حجیت خبر ضعیف منجر به شهرت بدانیم، در هر دو صورت، مردود است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۹۲) و بدین ترتیب، جابریت شهرت را هم نسبت به قصور دلالت و هم نسبت به ضعف سند، منتفی می‌داند.

### عملکرد فقهی شیخ انصاری

از آنچه گذشت، دانسته می‌شود که موقف و دیدگاه اصولی شیخ انصاری، با صراحت تمام، عدم حجیت شهرت فتواییه به عنوان دلیل مستقل و ظن خاص است. با مراجعه به فرائد الاصول، سعی بلیغ وی در واکاوی زوایا و ادله اعتبار شهرت فتوایی و تبیین چرایی مردود بودن آن آشکار می‌گردد. اما آنچه به ذهن برخی علما و محققان غریب آمده و موجبات شگفتی آنان از نحوه عملکرد شیخ را فراهم آورده، این است که از مطالعه پاره‌ای کلمات شیخ چنین برداشت کرده‌اند که وی بر خلاف رأی اصولی خود - به کرات - شهرت فتواییه را به عنوان دلیل مستقل، مستند و مستمسک خود قرار داده و بدین ترتیب، تهافتی آشکار را در این زمینه بین دیدگاه اصولی و عملکرد فقهی خویش به نمایش گذاشته است (رک: صدر، ۱۴۰۸ق، ۲/۹۴-۹۷؛ زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۳۹-۳۳۴۳).

یکی از مصادیقی که جهت اثبات تخطی شیخ از مسلک اصولی اش ارائه شده، این است که وی در پایان بحثی که پیرامون صحت و بطلان عقد صبی مطرح می‌کند، پس از ناتمام دانستن استدلال به حدیث رفع، تأکید می‌کند که عمده دلیل بر بطلان عقد صبی، اجماع منقول به خبر واحد است که با شهرت عظیم

فقهها، تقویت شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۷۸)<sup>۱</sup>. ایشان تصریح دارد که مسئله بدون توجه به اجماع و شهرت، محلّ اشکال است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۷۸). سپس در ادامه می نویسد: انصاف، آن است که حجت در این مسئله، شهرتی است که تحصیل شده و اجماعی است که نقل شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۸۰). آنگاه در نهایت، تحقق اجماع را مورد مناقشه قرار می دهد و تنها مستند بحث را شهرت فتواییه می داند و در این باره می نویسد: البته قائلی حق دارد که بگوید با توجه به مخالفت محقق، علامه، ولد علامه، قاضی ابن براج و دیگران - خصوصاً محقق ثانی که مبنایش بر شرعیت افعال صبی است - جایی برای ادعای اجماع، باقی نمی ماند؛ بنابراین، تنها چیزی که باقی می ماند عمل طبق مشهور است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۸۱).

آیت الله شبیری زنجانی مصداق مذکور را یکی از موارد تمسک شیخ به شهرت، ذکر می کند و پس از بیان آن می نویسد: از این عبارت بر می آید که ایشان شهرت را دلیل تامّ می داند و اخبار مستفیضه را دلیل دیگر مسئله. حال این اشکال مطرح می گردد که شیخ انصاری که در رسائل به گونه ای مفصل حجّیت شهرت را ابطال ساخته، چگونه در اینجا به شهرت استناد ورزیده است؟ (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۳۹).

برخی دیگر نگاشته اند: بسیاری از علمای متأخر، به رغم آنکه در مباحث اصولی خود به عدم حجّیت شهرت تصریح داشته اند، و حتی برخی از ایشان آن را مانند سنگ در کنار انسان می دانند، لکن شاهدیم که با هر مشرب اصولی و فقهی غالباً خلاف مشهور فتوا نمی دهند (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۱/۳۹۶). همین محقق در ادامه، موارد متعدد دیگری را نیز به عنوان مصدیقی از تمسک شیخ انصاری به شهرت ذکر می کند که برخی از آن ها عبارت است از: چراغ افروختن با روغن متنجس (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۱/۷۹)<sup>۲</sup>، استبرای زن حائض (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۴۳) تخییر یا ترتیب بین خصال کفاره (انصاری، ۱۴۱۳ق، ۹۰) و ضمان مشتری نسبت به منافع استیفا شده در بیع فاسد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۲۰۱-۲۰۸).

#### جستارهای فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹  
تابستان ۱۳۹۹

۲۰۴

۱. فالعمدة فی سلب عبارة الصبی هو الإجماع المحکی المعتمد بالشهرة العظيمة وإلا فالمسألة محلّ إشکال.

۲. و الإنصاف، أنّ المسألة لا تخلو عن إشکال، من حیث ظاهر الروایات، البعده عن التقييد لإبائها فی أنفسها عنه و إیاء المقيد عنه-، و من حیث الشهرة المحققة والاتفاق المنقول و لورجع إلى أصالة البراءة حينئذٍ لم یکن إلا بعيداً عن الاحتیاط و جرأة علی مخالفة المشهور.

## چرایی تهافت بین نظر و عمل شیخ اعظم

گفته شد برخی علما و محققان، ادعا کرده‌اند که شیخ انصاری، در مباحث فقهی خود به استناد اموری، فتوا می‌دهد که حجیت آن‌ها را در مباحث اصولی‌اش، مردود ساخته است و تأکید می‌ورزند که ایشان به رغم آنکه حجیت شهرت را مردود و فاقد حجیت دانسته، بارها و بارها در مباحث فقهی‌اش، مستند به همین عناصر، فتوا می‌دهد. در جستجوی یافتن دلیل و چرایی این تهافت، به دو تحلیل دست یافتیم که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

## تحلیل اول: انسدادی بودن شیخ انصاری

آیت‌الله شبیری زنجانی قرائن و شواهدی را گرد هم می‌آورد تا اثبات کند که شیخ انصاری، متمایل به انسداد بوده است و تمسک وی به شهرت، از باب تمسک به مطلق ظنّ است. با این توجیه، دیگر جایی برای خرده گرفتن بر شیخ اعظم باقی نمی‌ماند؛ چرا که خود شیخ، وقتی حجیت شهرت را ابطال می‌سازد، چنین تصریح می‌کند که مقصود ما این نیست که متعرض حجیت شهرت شویم، بلکه مقصود، ابطال توهم ظنّ خاص بودن شهرت است و گرنه قول به حجیت آن از باب افاده ظنّ - بنا بر پذیرش دلیل انسداد - بعید نیست (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۰۵)؛ بنابراین، چنانچه کسی دلیل انسداد را بپذیرد، می‌تواند به شهرت - از باب افاده مطلق ظنّ - تمسک کند.

آیت‌الله شبیری زنجانی، پس از نقل کلام شیخ اعظم که در بحث بیع صبی مبنی بر مبنای عمل قرار دادن شهرت است و انضمام اخبار مستفیضه<sup>۱</sup> (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۸۱/۳) به طرح این پرسش می‌پردازد که شیخ انصاری که در رسائل به گونه مفصل حجیت شهرت را ابطال ساخته، چگونه در اینجا به شهرت استناد ورزیده است؟ (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۳۹). ایشان ابتدا پاسخی را به این پرسش می‌دهد که این مضمون که شاید شیخ، رسائل را ابتدا نوشته لکن بعدها از برخی مطالب آن عدول کرده و به حجیت شهرت، معتقد شده است و یا بالعکس (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۳۹). آنگاه خود

مقایسه‌روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت

۲۰۵

۱. و کیف كان فالعمل علی المشهور، و يمكن ان يستأنس له أيضاً بما ورد في الاخبار المستفیضة.

ایشان در مقام ردّ این پاسخ می‌نویسد: شیخ به رسائل و مکاسب، اهتمام تامّ داشته و هر دو را محور بحث و تدریس خود قرار می‌داده و تا آخر در مطالب این دو کتاب دست می‌برده و مطالب آن‌ها را اصلاح می‌کرده است، اگر شیخ از مبنای اولیه خود عدول کرده، باید یکی از دو کتاب رسائل یا مکاسب را که بر طبق این مبنا نگارش یافته تصحیح می‌کرد؛ بنابراین، اشکال تناقض بین عبارت مکاسب با مبنای اصولی شیخ در رسائل پابرجاست (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۳۹).

به نظر ایشان، پاسخ صحیح در برابر پرسش مذکور آن است که بگوییم شیخ شهرت را از باب ظنّ خاص، معتبر نمی‌داند، ولی چون شیخ به تمامیت ادله انسداده متمایل است، شهرت را از این باب حجّت می‌داند. آنگاه در ادامه، ضمن اشاره به اختلافات شدیدی که در عصر شیخ اعظم درباره دلیل انسداده مطرح بوده می‌نویسد: بسیاری از علما، مسلمّ پنداشته‌اند که شیخ انصاری قائل به انفتاح باب علم است و دلیل انسداده را ناتمام می‌داند، ولی به نظر ما شیخ انصاری به دلیل انسداده معتقد است (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۴۰). آیت‌الله شبیری زنجانی، جهت اثبات انسداده بودن شیخ اعظم، استدلال مفصّلی دارند که خلاصه این استدلال دو مطلب از شیخ انصاری است که انسداده بودن ایشان را به اثبات می‌رساند:

#### جستارهای فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹  
تابستان ۱۳۹۹

۲۰۶

**مطلب اول:** اینکه شیخ، تمامیت دلیل انسداده را در گرو تحقق مقدمه اول می‌داند که مهم‌ترین مقدمه انسداده است و حتی بنا به یک تعبیر، به تنهایی می‌تواند منتهی به تمامیت دلیل انسداده شود. تحقق مقدمه اول نیز در گرو پاسخ به این پرسش است که آیا اخباری که با ادله حجیت خبر واحد، حجیتشان ثابت می‌شود، برای اثبات تمام یا معظم مسائل فقهی کفایت می‌کند یا نه؟ (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۸۴).<sup>۱</sup>

**مطلب دوم:** اینکه شیخ در پایان بحث از ادله حجیت خبر واحد می‌نویسد: این‌ها تمام آن چیزی بود که به عنوان دلیل بر حجیت خبر واحد اقامه شده است... انصاف آن است که هر کدام که دلالت بر حجیت داشتند، تنها دلالت بر حجیت

۱. و أما المقدمة الأولى [و هي انسداده باب العلم والظن الخاص في معظم المسائل الفقهية] فتسليم هذه المقدمة ومنعها لا يظهر إلا بعد التأمل التام وبذل الجهد في النظر فيما تقدم من أدلة حجة الخبر وأنه هل يثبت بها حجة مقدار واف من الخبر أم لا. وهذه هي عمدة مقدمات دليل الانسداده بل الظاهر المصرح به في كلمات بعض أن ثبوت هذه المقدمة يكفي في حجة الظن المطلق.

خبری داشتند که مفید وثوق و اطمینان به مؤدی باشد... بی شک، این قسم در زمان ما بسیار اندک است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۰۵).<sup>۱</sup>

این فقیه معاصر، از کنار هم نهادن این دو مطلب، نتیجه می‌گیرد که از منظر شیخ، اخباری که حجیتشان به سبب دلیل انسداد، ثابت می‌گردد، جهت اثبات تمام و یا معظم مسائل فقهی کفایت نمی‌کند؛ در نتیجه، مقدمه اول دلیل انسداد ثابت می‌گردد و به تبع آن، دلیل انسداد، اثبات می‌شود (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۴۳-۳۳۳۹).

### تحلیل دوم: تأثیر عنصر روانی

طبق باور شهید صدر، در فاصله بین اصول قدیم تا اصول جدید - که مؤسس آن شیخ انصاری است -<sup>۲</sup> عناصر پرکاربردی نظیر اجماع منقول، شهرت فتوایی و جابریت شهرت نسبت به ضعف سند و دلالت، مورد انکار برخی علما، قرار گرفته است، لکن همین علما، از یک حالت روانی برخوردار بودند و می‌کوشیدند فتاوی خود را به گونه‌ای منطبق بر آنچه در گذشته بوده، ارائه نمایند؛ از این رو، شهید صدر مهمترین ویژگی بارز این دوره را تهافت دیدگاه اصولی و مشی فقهی علمای بزرگ و در رأس آنان شیخ انصاری می‌داند. به باور شهید صدر، چرایی این تهافت در یک عنصر روانی به عنوان یک امر فراعلم در مشی فقهی فقیهان نهفته است. عنصر روانی که شهید صدر با عنوان «حالت نفسانی» از آن تعبیر می‌کند، این بود که فقها خصوصاً تا قبل از افول اصول قدیم و بروز اصول جدید - تمام کوشش و جدیت خود را به کار می‌بستند تا از مخالفت با اجماع و مشهور اصحاب پرهیز نمایند تا اینکه در دوره اصول جدید، مردود بودن پاره‌ای از عناصر و نهادهایی که طریق و رهگذری برای موافقت با پیشینیان بود، آشکار گشت. اجماع منقول به خبر واحد، شهرت،

۱. لا ریب فی ندرۃ هذا القسم فی هذا الزمان.

۲. کاظم حسینی حائری از شاگردان شهید صدر در تعلیقه بر کتاب مباحث الاصول می‌نویسد: شهید صدر، هنگام تالیف کتاب «المعالم الجدیدة» از این نظر که شیخ اعظم، مؤسس اصول جدید باشد، عدول نمود و نظرش بر این شد که مؤسس آن، وحید بهبهانی بوده است (صدر، ۱۴۰۸ق، ۲/۹۵).

فهم اصحاب، جابریّت شهرت نسبت به ضعف سند، هر کدام به نحوی، فقیه را در راستای همگام‌سازی و متناسب‌سازی آرا و فتاوی خود با یافته‌ها و آرا پیشینیان، کمک می‌کرد.

در دوره اصول جدید، فقهای بزرگی نظیر شیخ انصاری به انکار بسیاری از مبانی مسلم پیشینیان، همت گماشتند، لکن اینان نیز متأثر از همان حالت نفسانی و عنصر روانی، نمی‌توانستند در مباحث فقهی خود، به آرای اصولی خویش پایبند بمانند؛ لذا برخلاف یافته‌های اصولی خود، در مباحث فقهی به همان چیزهایی که در اصول باطل ساخته بودند استناد می‌کردند. به باور شهید صدر، این معضل ادامه داشت تا اینکه نوبت به محقق خویی - که شهید صدر از وی به عنوان «السید الاستاذ» یاد می‌کند- می‌رسد و وی، فقه خود را منطبق بر یافته‌های اصولی اش ارائه می‌نماید (رک: صدر، ۱۴۰۸ق، ۲/۹۷-۹۴).

### نقد تحلیل آیت الله شبیری زنجانی

به نظر می‌رسد تحلیلی که از سوی آیت الله شبیری زنجانی ارائه گردید، توجیه مناسبی جهت تبیین چرایی تهافت بین دیدگاه اصولی و مشی فقهی فقیهان نباشد. در نقد تحلیل مذکور به سه نکته اشاره می‌شود:

**نکته اول:** دیدگاه اول بر پایه احتمال بعیدی مبتنی گشته است؛ زیرا بعید است که شیخ انصاری، قائل به انسداد باشد اما نه در مکتوبات خود به آن تصریح کند و نه در دروس خود، سخنی از آن به میان می‌آورد تا توسط مقررین درس وی به ثبت برسد. نیز بعید است که در بین شاگردان خود، تلویحاً در این زمینه مطالبی ارائه نکرده باشد تا دست کم، برخی از شاگردان وی به وجود چنین گرایش و میلی در شیخ اعظم اشاره نمایند. این در حالی است که خلاف تحلیل آیت الله شبیری زنجانی، این مطلب از سوی شاگردان شیخ گزارش شده است. مرحوم آشتیانی صریحاً در شرح باب انسداد کتاب فرائد الاصول می‌نویسد: از کلمات شیخ در مجلس بحث و غیره چنین استفاده کردم که وی معتقد است ظنون خاصه به انضمام ادله علمیه، وافی به اغلب احکام می‌باشد، گرچه ظنّ خاص از منظر استاد، منحصر در ظواهر

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۰۸

الفاظ و خبر مفید وثوق و اطمینان است<sup>۱</sup> (آشتیانی، ۱۴۲۹ق، ۷۸/۳).

**نکته دوم:** آیت الله زنجانی، استدلال خود در جهت اثبات انسدادی بودن شیخ اعظم را بر پایه دو مقدمه استوار ساخته بود. مقدمه اول اینکه شیخ انصاری، صرفاً اخبار مفید وثوق و اطمینان را حجت می‌داند. مقدمه دوم اینکه شیخ، اخبار مفید وثوق و اطمینان را در عصر حاضر کمیاب می‌داند (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۴۰). باید بگوییم مقدمه اول، پذیرفتنی است، لکن مقدمه دوم، با نقد مواجه است و ادعای مذکور، خلاف تصریحات خود شیخ است؛ زیرا خود شیخ پس از ادامهٔ مبحث در پایان می‌نویسد: حصول ظن اطمینانی در اخبار و غیر اخبار، اندک نیست<sup>۲</sup> (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۷) و در جای دیگر می‌نویسد: گرچه ظنونی نیز وجود دارد که به مرتبه اطمینان نمی‌رسند، بالجمله ادعای کثرت ظنون اطمینانی در اخبار و غیر اخبار از دیگر امارات - به گونه‌ای که نیاز به غیر از این‌ها نباشد و از رجوع به احتیاط در موارد خالی از آن‌ها در محذور قرار نگیریم - ادعای قریب و پذیرفته‌ای است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۸).<sup>۳</sup>

**نکته سوم:** شیخ انصاری نه تنها مقدمات انسداد را مفید دیدگاه انسدادیان نمی‌داند، بلکه مقدمات مذکور را مفید حکم به احتیاط می‌داند. ایشان پس از بیان مقدمات انسداد می‌نویسد: در موارد شک باید طبق احتیاط عمل نمود (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۷)<sup>۴</sup> البته ایشان سخن از تبعیض در احتیاط را مطرح می‌سازد تا مستلزم حرج نباشد.

مقایسهٔ روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت  
۲۰۹

۱. و قد استفدت من كلماته في مجلس البحث وغيره أنه يعتقد وفاء الظنون الخاصة بأغلب الأحكام بضميمة الأدلة العلمية وإن كان الظن الخاص منحصراً في زعمه حسبما عرفت بظواهر الألفاظ والخبر المفيد للوثوق والاطمئنان.

۲. و ذلك لأن حصول الظن الاطمئنان في الأخبار وغيرها غير عزيز.

۳. و بالجمله فدعوى كثرة الظنون الاطمئنانية في الأخبار وغيرها من الأمارات بحيث لا يحتاج إلى ما دونها ولا يلزم من الرجوع في الموارد الخالية عنها إلى الاحتياط محذور وإن كان هناك ظنون لا تبلغ مرتبة الاطمئنان قريبة جداً.

۴. و إما في موارد عدمه وهو الشك فلا يجوز العمل إلا بالاحتياط الكلي الحاصل من احتمال كون الواقعة من موارد التكليف المعلومة إجمالاً وإن كان لا يقتضيه نفس المسألة كما إذا شك في حرمة عصير التمر أو وجوب الاستقبال بالمحتضر بل العمل على هذا الوجه تبعيض في الاحتياط وطرحه في بعض الموارد دفعا للحرج ثم يعين العقل للطرح البعض الذي يكون وجود التكليف فيها احتمالاً ضعيفاً في الغاية.

## نقد تحلیل شهید صدر

تحلیل دوم یعنی دیدگاه شهید صدر نیز وجه مناسبی برای تحلیل چرایی چنین تهافتی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا چگونه می‌توان پذیرفت شیخ انصاری که شیخ الفقها و المجتهدین است و نظام منسجم فکری او در باب فقه و اصول زبانزد است، پیوسته در مباحث فقهی از آرای اصولی خود که در تنقیح آن‌ها مباحث مبسوطی ارائه کرده است، غافل بماند؟ وجه استبعاد این تحلیل، آنگاه آشکارتر می‌گردد که غیر از جایگاه رفیع و منبع شیخ اعظم، التفات به جایگاه دو اثر اصولی و فقهی وی یعنی فرائد الاصول و المکاسب داشته باشیم که این آثار، پیوسته محل رجوع و بازبینی شیخ بوده است (رک: زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۱۰/۳۳۴۰). ضمن آنکه هیچ‌یک از شاگردان وی، به نقد شیخ در این جهت پرداخته‌اند یا - آن‌چنان که مرسوم است - در تعلیقه‌هایی که ذیل فتاوا و مباحث تقریر کرده‌اند، به چنین مطلبی به عنوان عدم توجه شیخ به مبنای اصولی خود اشاره نداشته‌اند. نظر به مطالب گفته شده، صحت و قوت چنین تحلیل‌هایی بعید به نظر می‌رسد.

## تبیین دیدگاه مختار

جهت تبیین دیدگاه مختار و اثبات موهوم بودن عدم پابندی شیخ به مبانی اصولی خود در استنباط فقهی، به وجه دیگری می‌پردازیم که حمل مشی فقهی شیخ اعظم بر آن، قوی‌تر به نظر می‌رسد. جهت تبیین تحلیل مختار، ابتدا به بیان مطلبی در باب حجیت شهرت می‌پردازیم.

اعتماد بر شهرت فتواییه، گاهی بر اساس حصول علم و اطمینان و گاهی بر اساس تعبد است (صدر، ۱۴۰۸ق، ۲/۳۲۵). تعبدی بودن حجیت شهرت فتواییه، به معنای آن است که شهرت - با قطع نظر از مراتب افاده ظن یا اطمینان - خودش یکی از حجت‌های مستقل باشد که حجیت عرضی دارد. از آنجایی که حجیت عرضی، نیاز به پشتوانه و دلیل قطعی بر اعتبار دارد، سه دلیل بر اعتبار آن ذکر می‌کنند

الف) مقبولة عمر بن حنظله که امام علیه السلام فرمودند: «فإنَّ المجمع علیه لاریب فیه» بنابر اینکه مقصود از مجمع علیه، مشهور باشد.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۱۰



ب) خبر عوالی اللثالی که امام علیه السلام فرمودند: «یا زرارہ خذ بما اشتهر بین اصحابک». (ج) ادله حجیت خبر واحد که به مفهوم اولویت، شامل شهرت - که اقوی در افاده ظن است - هم بشود (آشتیانی، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۴۰).

بنابراین، وقتی بحث از حجیت شهرت فتواییه به عنوان یکی از ظنون خاص به میان می‌آید، اساس آن بر پایه تعبد است. در واقع، بحث بر سر این است که آیا شهرت فتواییه، به خودی خود، دلیل مستقل شرعی به شمار می‌آید و آیا دلیل قطعی بر اعتبار آن وجود دارد یا نه؟ کلمات اصولیان، کاملاً حکایت از این مطلب دارد. نائینی در أجود التقریرات، بحث از حجیت شهرت فتواییه را به این شکل مطرح می‌سازد که اشکال در حجیت خود شهرت فتواییه به خودی خود است (نائینی، ۱۳۵۲، ۱۰۰/۲)؛ بنابراین، شهرت فتواییه، به خودی خود، محل بحث است نه به ملاک افاده علم و اطمینان.

آیت‌الله مکارم شیرازی، شهرت فتواییه‌ای را که مفید و ثوق و اطمینان باشد خارج از محل نزاع و شهرت فتواییه قدما را چنانچه موجب وثوق و اطمینان به وجود دلیل شود حجت می‌داند و تصریح می‌کند که نزاع، منحصر در شهرت فتواییه ظنیه است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۲/۳۸۷)؛ به همین جهت امام خمینی نیز می‌نویسد: شهرتی که متقدم بر شیخ باشد یعنی شهرت فتوایی بین قدمای اصحاب - که عادت آنان، تحفظ بر اصول و افتا طبق متن روایت بوده است - واجد مناط حجیت اجماع است؛ لذا موجب حدس قطعی می‌شود به اینکه یا نص معتبری نزد آنان وجود داشته است یا اینکه حکم مسئله از سوی ائمه اطهار علیهم السلام معرفی شده و معروف بوده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ۲/۱۶۹). آیت‌الله اراکی، شهرت را امری ذومراتب می‌داند که اگر مفید اطمینان و سکون نفس باشد، قطعاً حجت است؛ لکن حجیت آن ربطی به حجت بودن شهرت ندارد و به هیچ وجه، به معنای اثبات حجیت برخی از اقسام شهرت نیست، بلکه آنچه در این فرض، حجت و دلیل به شمار می‌آید، چیزی جز همان حجت عقلایی یعنی اطمینان نیست (اراکی، ۱۳۷۵، ۱/۵۴۸).

بنابراین، شهرت فتواییه‌ای که مفید اطمینان باشد، اصلاً محل نفی و اثبات و نزاع نیست تا گمان شود که اگر یک اصولی نظیر شیخ اعظم، به انکار حجیت شهرت

فتوایه پرداخت، شهرت مفید اطمینان را نیز فاقد حجیت می‌داند. در فرض افاده اطمینان، خود اطمینان که علم عرفی نامیده می‌شود (تبریزی، ۱۳۶۹ق، ۱۶۹) حجت است. جهت تأیید ادعا و تحلیل مذکور، به چند مورد از عبارات خود شیخ اشاره می‌کنیم:

**مورد اول:** شیخ انصاری، بحث از حجیت شهرت را چنین آغاز می‌کند: «و من جملة الظنون التي توهم حجيتها بالخصوص الشهرة في الفتوى» (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۱۰۵)؛ یعنی شهرت فتواییه، از ظنونی است که توهم شده یکی از ظنون خاصه است. سپس در ادامه می‌نویسد: مقصود ما آن است که توهم مذکور - یعنی ظن خاص بودن شهرت فتواییه - را ابطال سازیم. بنابراین، اساساً شهرت از حیث افاده اطمینان، محل بحث نیست، بلکه آنچه محل نفی و اثبات قرار گرفته، حجیت شهرت به خودی خود با صرف نظر از افاده اطمینان و علم عرفی است.

**مورد دوم:** ایشان در ادامه مباحث قبلی می‌نویسد: گرچه ظنونی نیز وجود دارد که به مرتبه اطمینان نمی‌رسند، لکن بالجمله ادعای کثرت ظنون اطمینانی در اخبار و غیر اخبار از دیگر امارات - به گونه‌ای که نیاز به غیر از این‌ها نباشد و از رجوع به احتیاط در موارد خالی از آن‌ها در محذور قرار نگیریم - ادعای قریب و پذیرفته‌ای است؛ هر چند نیاز به فراوانی تتبع در روایات و احوال روایات و فتاوی علمای دارد. به هر حال، به نظر نمی‌رسد ظن اطمینانی که از اخبار و امارات دیگر حاصل می‌گردد کمتر از اخبار دو عادل باشد، بلکه اکثر از آن‌هاست (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۸).<sup>۱</sup>

**مورد سوم:** شیخ انصاری در فرائد الاصول، تصریح می‌کند حصول ظن اطمینانی در اخبار و غیر اخبار، اندک نیست، اما در غیر اخبار، به جهت آنکه در بسیاری از موارد، اطمینان از شهرت، اجماع منقول، استقراء و اولویت حاصل می‌شود (انصاری، ۱۴۱۶ق، ۱/۲۴۷).<sup>۲</sup>

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹  
تابستان ۱۳۹۹

۲۱۲

۱. و بالجمله فدعوی کثرة الظنون الاطمینانية فی الأخبار و غیرها من الأمارات بحيث لا یحتاج إلى ما دونها و لا یلزم من الرجوع فی الموارد الخالية عنها إلى الاحتیاط محذور و إن كان هناك ظنون لا تبلغ مرتبة الاطمینان قریبة جداً إلا أنه یحتاج إلى مزيد تتبع فی الروایات و احوال الرواة و فتاوی العلماء. و کیف كان، فلا أرى الظن الاطمینانی الحاصل من الأخبار و غیرها من الأمارات أقل عدداً من الأخبار المصححة بعدلین بل لعل هذا أكثر.

۲. و ذلك لأن حصول الظن الاطمینانی فی الأخبار و غیرها غیر عزیز أما فی غیرها فلائنه کثیراً ما یحصل الاطمینان من الشهرة و الإجماع المنقول و الاستقراء و الأولوية.

**مورد چهارم:** شیخ اعظم به مشهور فقها نسبت می‌دهد که ایشان معتقدند خون حیض از سمت چپ، خارج می‌شود و خونی که از سمت راست خارج شود حیض نیست (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۳۵). ایشان در نهایت پس از آنکه مسئله را خالی از دلیل نقلی می‌یابد می‌نویسد: مسئله، محلّ اشکال است و لازم است طبق مشهور، عمل شود؛ زیرا اگر قائل به حجیت شهرت بر پایه کاشفیت قطعی آن از روایت ظنی شویم، بعید نیست؛ همان‌طور که در علم اصول، به اثبات رسیده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۱۴۳).<sup>۱</sup> می‌بینیم که شیخ انصاری به‌رغم آنکه قول به حجیت شهرت را - به عنوان ظن خاص - توهّم می‌داند، در اینجا صریحاً شهرت را حجت می‌داند. جالب توجه آن است که ایشان حجیت شهرت در فرع مذکور را از مطالب اثبات شده در علم اصول می‌داند.

با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که شیخ در مواردی که شهرت، مفید اطمینان باشد، منعی برای حجت بودن آن نمی‌بیند. این اسلوب و مشی را در علمای دیگر نیز سراغ داریم که قبلاً به کلمات برخی از آنان اشاره شد. آیت‌الله سیستانی نیز شهرت فتواییه را در جایی که مقدمه حصول اطمینان و وثوق شود، اطمینان حاصله از شهرت را حجت می‌داند، بی‌آنکه حجیتی برای مقدمات یعنی شهرت فتواییه قائل باشد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴ق، ۱۳۳). توجه به این مطلب، می‌تواند به لفظی دانستن برخی از نزاع‌ها منتهی شود. اگر بخواهیم لفظی بودن نزاع در حجیت شهرت فتوایی از حیث افاده اطمینان و عدم افاده را تنظیم به مبحث دیگری کنیم، شایسته است سخن عبدالاعلی سبزواری را از نظر بگذرانیم که نزاع اصولیان در بحث حجیت شهرت عملی را نزاع لفظی می‌داند و معتقد است کسانی که حجیت آن را انکار می‌کنند با قطع نظر از افاده ظن و اطمینان، سلب حجیت از آن می‌کنند و آنان که قائل به حجیت شهرت عملی هستند شهرت را به مناط افاده اطمینان، حجیت می‌دانند (سبزواری، بی‌تا، ۹۳/۲).

مقایسه‌روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت  
۲۱۳

۱. فالمسألة محلّ إشکال، و العمل علی المشهور؛ لإفادة الشهرة الظنّ بصدور رواية التهذيب، بل لو قيل بحجبة الشهرة بناءً علی كشفها قطعاً عن صدور رواية ظنية لم يكن بعيداً، كما ثبت في الأصول.

## نتیجه گیری

اعتماد بر شهرت فتوایه گاهی بر اساس حصول علم و اطمینان و گاهی نیز بر اساس تعبد است. وقتی بحث از حجیت شهرت فتوایه به عنوان یکی از ظنون خاصه به میان می آید، شهرت بر اساس تعبد یعنی حجت مستقل بودن آن محل بحث است نه به ملاک افاده علم و اطمینان؛ بنابراین، شهرت فتوایه ای که مفید اطمینان باشد، اصلاً محلّ نفی و اثبات و محلّ نزاع نیست تا گمان برده شود اگر یک اصولی نظیر شیخ اعظم، به انکار حجیت شهرت فتوایه پرداخت، شهرت مفید اطمینان را فاقد حجیت می داند. خیر! در فرض افاده اطمینان، خود اطمینان - که علم عرفی نامیده می شود- حجت است.

## منابع

۱. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر، (۱۴۲۹ ق) بحر الفوائد فی شرح الفرائد (طبع جدید) چاپ اول، بیروت: بی نا.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ هـ) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. اراکی، محمدعلی، (۱۳۷۵) أصول الفقه، چاپ اول، قم: بی نا.
۴. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۳ هـ) کتاب الصوم، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۵ هـ) کتاب الطهارة، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۶ ق) فرائد الأصول، چاپ پنجم، قم: بی نا.
۷. القطفی، سیدمنیر سیدعدنان، (۱۴۱۴ ق) الرافد فی علم الأصول تقریرات درس خارج: سیدعلی حسینی سیستانی، چاپ اول، قم: بی نا.
۸. تبریزی، موسی بن جعفر، (۱۳۶۹ ق) أوثق الوسائل فی شرح الرسائل (طبع قدیم)، چاپ اول، قم: بی نا.
۹. حسینی شیرازی، صادق، (۱۴۲۷ ق) بیان الأصول، چاپ دوم، قم: بی نا.
۱۰. حکیم، محمد تقی بن محمد سعید، (۱۴۱۸ ق) الأصول العامة فی الفقه المقارن، چاپ دوم، قم: بی نا.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۹

تابستان ۱۳۹۹

۲۱۴

۱۱. حلی، (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (بی تا) تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة). چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۹ ق) *دراسات في علم الأصول*، چاپ اول، قم: بی نا.
۱۳. سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۲۴ ق) *إرشاد العقول الى مباحث الأصول*، چاپ اول، قم: بی نا.
۱۴. سبزواری، عبدالاعلی، (بی تا) *تهذیب الأصول*، چاپ دوم، قم: بی نا.
۱۵. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ هـ ق) *کتاب نکاح (زنجانی)*، چاپ اول، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
۱۶. صدر، محمد باقر، (۱۴۰۸ ق) *مباحث الأصول*، چاپ اول، قم: بی نا.
۱۷. —، (۱۴۱۸ ق). *دروس في علم الأصول*، چاپ پنجم، قم: طبع انتشارات اسلامی.
۱۸. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ هـ ق) *جامع المقاصد في شرح القواعد*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۵) *أصول الفقه*، چاپ پنجم، قم: طبع اسماعیلیان.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ ق) *انوار الأصول*، چاپ دوم، قم: بی نا.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۲) *تهذیب الأصول*، چاپ اول، قم: بی نا.
۲۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، (۱۳۷۸ ق) *قوانین الأصول (طبع قدیم)* چاپ دوم، تهران: بی نا.
۲۳. نائینی، محمد حسین، (۱۳۵۲) *أجود التقریرات*، چاپ اول، قم: بی نا.
۲۴. —، (۱۳۷۶) *فوائد الأصول*، چاپ اول، قم: بی نا.
۲۵. نجفی، محمد حسن، (بی تا) *جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام*، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مقایسه روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت

۲۱۵

### Bibliography

1. al-‘Āmilī al-Karakī, ‘I.-H.-M.-K.-M.-T. (1993/1414). *Jami‘ al-Maqāṣid fī Sharḥ al-Qawā‘id* (2nd ed.). Qum: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Ihya‘ al-Turāth.
2. al-Anṣārī, M. (-S.-A. (1995/1416). *Farā‘id al-Uṣūl (al-Rasā‘il)* (5th ed.). Qum: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
3. al-Anṣārī, M. I.-S.-A. (1992/1413). *Kitāb al-Ṣawm*. Qum: al-Mu‘tamar al-‘Ālamī Bimunasabat al-Ḍihkrā al-Mi‘awīyya al-Thānīyya li Mīlād al-

- Shaykh al-A'zam al-Anṣārī.
4. al-Anṣārī, M. I.-S.-A. (1994/1415). *Kitāb al-Nikāḥ*. Qum: al-Mu'tamar al-'Ālamī Bimunasabat al-Ḍhikrā al-Mi'awīyya al-Thānīyya li Milād al-Shaykh al-A'zam al-Anṣārī.
  5. al-Arākī, M. (1997/1375). *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Dar Rāh-i Ḥaq.
  6. al-Āshṭīyānī, M. Ḥ. (1997/1429). *Baḥr al-Fawā'id fī Sharḥ al-Farā'id*. Qum.
  7. al-Ḥakīm, a.-S. (1997/1418). *al-Uṣūl al-Āmma li al-Fiqh al-Muqāran*. Qum.
  8. al-Hāshimī al-Shahrūdī, a.-S. M. (1998/1419). *Dirāsāt fī 'Ilm al-Uṣūl (Taqrīr Buḥūth al-Sayyid Abū al-Qāsim al-Khu'ī)*. Qum: Mu'assasat Dā'irat Ma'ārif al-Fiqh al-Islāmī.
  9. al-Ḥillī, Ḥ. I.-'.-Ḥ. (1993/1414). *Taḍḥkirat al-Fuqahā'*. Qum: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥyā' al-Turāth.
  10. al-Ḥusaynī al-Shīrāzī, a.-S. (2006/1427). *Bayān al-Uṣūl* (2nd ed.). Qum: Dār al-Anṣār.
  11. al-Kāzīmī al-Khurāsānī, M. ' . (1997/1376). *Fawā'id al-Uṣūl (Taqrīrāt Baḥth al-Mūrzā al-Nā'inī)*. Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
  12. al-Mūsawī al-Khu'ī, a.-S. A.-Q. (1973/1352). *Ajwad al-Taqrīrāt (Taqrīrāt Baḥth al-Mūrzā al-Nā'inī)*. Qum: Maṭba'at al-'Irfān.
  13. al-Muẓaffar, M. (1996/1375). *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Mu'assasat Ismā'īliyyān.
  14. al-Najafī, M. (1983/1404). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām* (7th ed.). ( ' al-Qūchānī, Ed.) Beirut: Dār Ḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
  15. al-Qaṭīfī, a.-S. ' . (1993/1414). *al-Rāfid fī 'Ilm al-Uṣūl (Taqrīrāt Buḥūth al-Sayyid 'Alī al-Sīstānī)*. Qum: Lītuḡrāfī-yi Ḥamīd.
  16. al-Qummī, a.-M.-Q.-M.-Q. (1958/1378). *al-Qawānīn al-Muḥkama fī al-Uṣūl* (2nd ed.). (R. Ṣubḥ, Ed.) Tehran: Maktabat al-'Ilmīyya al-Islāmīyya.
  17. al-Sabzawārī, a.-S.-A. (n.d.). *Taḥḍīb al-Uṣūl* (2nd ed.). Qum: Mu'assasat al-Manār.
  18. al-Ṣadr, a.-S. (1997/1418). *Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl* (5th ed.). Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.

19. al-Subhānī al-Tabrīzī, J. (2003/1382). *Tahdhīb al-Uṣūl (Taqrīrāt Baḥth al-Imām al-Khumaynī)*. Qum: Dār al-Fīkr.
20. al-Subhānī al-Tabrīzī, J. (2003/1424). *Irshād al-'Uqūl ilā Mabāḥith al-Uṣūl*. Qum: Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq.
21. Ibn Manzūr, M. (1993/1414). *Lisān al-'Arab* (3rd ed.). Beirut: Dār al-Fīkr.
22. Qudsī, A. (2007/1428). *Anwār al-Uṣūl (Taqrīrat-i Durūs-i Shaykh Naṣir Makārim Shūrāzī)*. Qum: Madrasat al-Imām 'Alī Ibn Abī Ṭālib.
23. Shubiyūrī Zanjānī, S. M. (1998/1419). *Kitāb-i Nikāḥ*. Qum: Mu'assisi-yi Pazhūhishī-yi Rāy Pardāz.

مقایسه‌ی روش  
استنباط اصولی و  
فقهی شیخ انصاری در  
حجیت شهرت

۲۱۷





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی